**اظهارنظر عمومی شماره 7؛**

**درباره مشارکت افراد دارای معلولیت در اجرا و نظارت بر کنوانسیون**

**اول. مقدمه**

۱. افراد دارای معلولیت در مذاکرات، توسعه و تهیه پیش‌نویسِ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نقش فعالی داشتند. مشاوره نزدیک و شرکت فعال افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های افراد دارای معلولیت و شرکای آن‌ها اثری مثبت بر کیفیت و ارتباط کنوانسیون نسبت به افراد دارای معلولیت گذاشت. همچنین قدرت و نیروی بالقوه افراد دارای معلولیت که منجر به یک معاهده مترقی و نوآورِ حقوق بشر و ایجاد الگوی حقوق بشری معلولیت شد را به نمایش گذاشت؛ بنابراین مشارکت مؤثر و معنادار افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها نقطه مرکزی و قلب کنوانسیون است.

۲. مشارکتِ فعالانه و آگاهانه هر فرد، در تصمیمات تأثیرگذار بر زندگی و حقوق آن‌ها مطابق با رویکرد مبتنی بر حقوق بشر در روندهای تصمیم‌گیری عمومی است[[1]](#footnote-1) و حکمرانی مطلوب و پاسخگوییِ اجتماعی را تضمین می‌کند.[[2]](#footnote-2)

۳. اصل مشارکت در ماده ۲۱ اعلامیه جهانیِ حقوق بشر به‌خوبی ایجادشده و مجدداً در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرارگرفته است. مشارکت به‌عنوان اصل و حق بشر در سایر اسنادِ بین‌المللی و منطقه‌ایِ حقوق بشر ازجمله تحت ماده ۵ (پ) کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۷ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، مواد ۱۲ و ۲۳ (۱) کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مشارکت را هم به‌عنوان یک وظیفه کلی و هم موضوعِ چندجانبه، به رسمیت شناخته است. در واقع وظیفه کشورهای عضو به مشاوره نزدیک و درگیر کردن فعال افراد دارای معلولیت (ماده ۴ (۳))، مشارکت افراد دارای معلولیت در روند نظارت (ماده ۳۳ (۳)) به‌عنوان بخشی از یک مفهوم گسترده‌تر از مشارکت در زندگی اجتماعی را بیان می‌کند.[[3]](#footnote-3)

۴. اغلب افراد دارای معلولیت در تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به زندگی آن‌ها و یا مواردی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد مورد مشورت قرار نمی‌گیرند، و تصمیمات از جانب آن‌ها گرفته می‌شود. با توجه به ظهور جنبش‌های افراد دارای معلولیت که خواستار به رسمیت شناختن حقوق بشرشان و نقش خودشان در تعیین این حقوق بوده‌اند، مشورت با افراد معلول در چند دهه گذشته اهمیت پیداکرده است. شعار «هیچ‌چیز در مورد ما بدون ما» با فلسفه و تاریخ جنبش حقوق معلولیت، که بر اصل مشارکت معنادار متکی است، طنین‌انداز شده است.

۵. افراد دارای معلولیت هنوز با موانع نگرشی، فیزیکی، قانونی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی برای مشارکت در زندگی عمومی مواجه هستند. قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، دیدگاه‌های افراد دارای معلولیت به نفع نمایندگان شخص ثالث، مانند سازمان‌های «برای» افراد دارای معلولیت، کنار گذاشته شدند.

۶. فرآیندهای مشارکتی و مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده خود در مذاکره و تدوین کنوانسیون، نمونه‌ای عالی از اصل مشارکت کامل و مؤثر، استقلال فردی و آزادی تصمیم‌گیری برای خود است. درنتیجه، حقوق بشر بین‌الملل در حال حاضر، افراد دارای معلولیت را به‌عنوان «موضوع» همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناسایی کرده است.[[4]](#footnote-4)

۷. بنا بر رویه حقوقی‌اش، هدف کمیته آن است که وظایف کشورهای عضو را تحت ماده ۴ (۳) و ۳۳ (۳) و اجرای آن‌ها در این اظهارنظر عمومی روشن سازد. کمیته، پیشرفت‌های به‌دست‌آمده توسط کشورهای عضو در راستای اجرای مقررات تحت مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) طی دهه گذشته را یادآور می‌شود ازجمله برخی از تدابیر اتخاذ شده توسط دولت‌های عضو شامل اعطای مساعدت‌های مالی یا سایر مساعدت‌ها به سازمان‌های افراد دارای معلولیت، شامل کردن افراد دارای معلولیت در چارچوب‌های مستقل نظارتی ایجادشده متعاقب ماده ۳۳ (۲) کنوانسیون است. افزون بر آن، بنا بر مواد ۴ (۳) و ۳۵ (۴)، برخی دولت‌های عضو درباره آماده‌سازی گزارش‌هایشان به کمیته، با سازمان‌های افراد دارای معلولیت مشورت کرده‌اند.

۸. بااین‌حال، کمیته همچنان شکافی مهم را میان اهداف و روحِ ماده ۴ (۳) و ۳۳ (۳) و میزان اجرای آن‌ها مشاهده می‌کند. شکافی که علاوه بر سایر عوامل، به دلیل فقدان مشاوره معنی‌دار با افراد دارای معلولیت و به‌کارگیری آن‌ها از طریق سازمان‌های نماینده‌شان در گسترش و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها به وجود آمده است.

۹. دولت‌های عضو باید اثر مثبت بر روندهای تصمیم‌گیری و ضرورت به‌کارگیری و تضمین مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نمایندگی‌شان، به‌ویژه به دلیل تجربه زندگی آن‌ها و آگاهی از حقوقی که باید اجرا شود، در این روند را به رسمیت بشناسند. دولت‌های عضو باید اصول کلیِ کنوانسیون را در همه تدابیر اتخاذ شده برای اجرا و نظارتِ آن و در پیشبرد برنامه ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار و اهدافش در نظر بگیرند.

**دوم. مفهوم قانونی مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳)**

**الف. تعریف «سازمان‌های نماینده»**

۱۰. به‌کارگیری و مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق «سازمان‌های نماینده» یا سازمان‌های افراد دارای معلولیت در ذات هر دو ماده ۴ (۳) و ۳۳ (۳) است. آنچه که برای دولت‌های عضو و ذینفعان مربوطه در یک اجرای صحیح اهمیت دارد، این است که مفهوم سازمان‌های افراد دارای معلولیت را تعریف کرده و انواع مختلفی که غالباً وجود دارند را به رسمیت بشناسند.

۱۱. کمیته معتقد است سازمان‌های افراد دارای معلولیت باید ریشه‌دار باشند، متعهد به اصول و حقوق شناخته شده در کنوانسیون بوده و به‌طور کامل آن‌ها را رعایت کنند. تنها سازمان‌هایی هستند که توسط افراد دارای معلولیت حکمرانی، رهبری و اداره می‌شوند. اکثریتی واضحی از اعضای آن‌ها باید افراد دارای معلولیت باشند.[[5]](#footnote-5) سازمان‌های زنان دارای معلولیت، کودکان دارای معلولیت و افرادی که با اچ‌آی‌وی / ایدز زندگی می‌کنند، سازمان‌های افراد دارای معلولیت تحت کنوانسیون هستند. سازمان‌های افراد دارای معلولیت دارای جنبه‌های شخصیتی مشخصی هستند ازجمله این واقعیت که:

(الف) آن‌ها عمدتاً با هدف اقدام جمعی، ابراز، ترویج، تعقیب و یا دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت ایجادشده و باید به‌طورکلی برای این منظور به رسمیت شناخته شوند؛

(ب) آن‌ها افراد دارای معلولیت را استخدام کرده، افراد دارای معلولیت آن‌ها را نمایندگی کرده، به افراد دارای معلولیت واگذار شده یا به‌طور خاص افراد دارای معلولیت را کاندید یا منصوب می‌کند؛

(ج) آن‌ها در اکثر موارد وابسته به هیچ حزب سیاسی نیستند و مستقل از مقامات دولتی و سایر سازمان‌های غیردولتی هستند که ممکن است عضوی از آن‌ها باشند.

(ه) آن‌ها ممکن است یک یا چند حوزه انتخابی را بر اساس نقصان واقعی یا درک شده نشان دهند یا برای عضویت همه افراد دارای معلولیت باز باشند؛

(و) آن‌ها گروه‌هایی از افراد دارای معلولیت را نمایندگی می‌کنند که منعکس‌کننده تنوع پس زمینه آن‌ها (ازجمله، جنسیت، جنسیت، نژاد، سن، یا وضعیت مهاجر یا پناهنده) است. آن‌ها می‌توانند شامل حوزه‌های انتخابی بر اساس هویت‌های فرعی (مثلاً کودکان، زنان یا افراد بومی با معلولیت) و شامل اعضای با اختلالات مختلف باشند؛

(ز) آن‌ها می‌توانند در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی باشند؛

(ح) آن‌ها می‌توانند به‌عنوان سازمان‌های فردی، ائتلاف‌ها یا سازمان‌های چند معلولیتی و یا سازمان‌های چتری متشکل از افراد دارای معلولیت فعالیت کنند و به دنبال فراهم کردن همکاری و هماهنگ کردن صدای افراد دارای معلولیت در تعامل با آن‌ها، ازجمله مقامات دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات خصوصی باشند.

**الف) سازمان چتری از افراد دارای معلولیت،** که ائتلافی از سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت است. در حالت ایده‌آل، باید در هر سطح تصمیم‌گیری تنها یک یا دو سازمان چتر وجود داشته باشد. برای باز بودن، دموکراتیک بودن و نمایندگی کردن تنوع کامل و متنوع افراد دارای معلولیت، آن‌ها باید همه سازمان‌های افراد دارای معلولیت را به‌عنوان عضو بپذیرند. آن‌ها باید توسط افراد دارای معلولیت سازمان‌دهی، هدایت و کنترل شوند. آن‌ها فقط از طرف سازمان‌های عضو خود و صرفاً نسبت به مسائلی که منافع متقابل دارند و به صورت جمعی در خصوص آن‌ها تصمیم گرفته شده، صحبت می‌کنند. بااین‌حال، آن‌ها نمی‌توانند افراد دارای معلولیت را به صورت فردی نمایندگی نمایند، زیرا اغلب اطلاعات دقیق شخصی ندارند. سازمان‌های فردی افراد دارای معلولیت که نماینده جوامع خاص هستند در موقعیتی بهتر قرار می‌گیرند تا این نقش را بازی کنند. بااین‌حال، افراد دارای معلولیت باید قادر باشند برای خودشان تصمیم بگیرند که می‌خواهند چه سازمان‌هایی آن‌ها را نمایندگی کنند. وجود سازمان‌های چتر درون دولت‌های عضو نباید تحت هیچ شرایطی افراد یا سازمان‌های افراد دارای معلولیت را از مشارکت در مشاوره و یا سایر شیوه‌های ترویج منافع افراد دارای معلولیت جلوگیری کند؛

**(ب) سازمان‌های چند معلولیتی،** که متشکل از افرادی هستند که همه یا برخی از تنوع گسترده‌ای از اختلالات را نمایندگی می‌کنند. آن‌ها اغلب در سطح محلی و / یا ملی سازمان‌دهی می‌شوند، اما همچنین می‌توانند در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی وجود داشته باشند.

**(پ) سازمان‌های خود مدافع** افراد دارای معلولیت را در شبکه‌ها و سیستم‌های مختلف که اغلب به‌طور غیررسمی و / یا محلی تشکیل شده‌اند، نمایندگی می‌کنند. آن‌ها از حقوق افراد دارای معلولیت، مخصوصاً افراد دارای معلولیت فکری حمایت می‌کنند. تأسیس آن‌ها، با پشتیبانی مناسب، گاهی اوقات وسیع، برای حمایت از اعضای خود برای ابراز نظراتشان، از اهمیت اساسی برای مشارکت سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای فرآیندها دارد. این موضوع مخصوصاً برای افرادی است که از اجرای توانایی قانونی خود و نهادینه شدن جلوگیری شده و / یا حق رأی دادن آن‌ها نادیده گرفته شده است. در بسیاری از کشورها، از طریق امتناع از دادن وضعیت قانونی به علت قوانین و مقرراتی که ظرفیت قانونی اعضای خود را نادیده می‌گیرد، علیه سازمان‌های خود مدافع تبعیض می‌شود.

**(ت) سازمان‌های والدین یا بستگان کودکان دارای معلولیت** کلید تسهیل، ترویج و صیانت از منافع، خودمختاری و مشارکت فعالانه بستگان دارای معلولیت ذهنی و / یا کودکان دارای معلولیت است، زمانی که این گروه از افراد دارای معلولیت می‌خواهند از طریق خانواده‌های خود به‌عنوان شبکه‌ها یا سازمان‌های متحد حمایت شوند. در چنین مواردی، این سازمان‌ها باید در مراحل مشاوره، تصمیم‌گیری و نظارت در نظر گرفته شوند. نقش والدین، بستگان و مراقبان در چنین سازمان‌هایی باید برای کمک به افراد معلول و تقویت آن‌ها باشد تا بتوانند صدای خود را رسانده و به‌طور کامل بر زندگی خود کنترل داشته باشند. چنین سازمان‌هایی باید به‌طور فعال برای ترویج و استفاده از پروسه‌های تصمیم‌گیری حمایت شده، برای اطمینان و احترام به حقوق افراد دارای معلولیت جهت مشورت و بیان دیدگاه‌های خود اقدام کنند.

**(ث) سازمان‌های زنان و دختران دارای معلولیت**، که زنان و دختران دارای معلولیت را به‌عنوان یک گروه ناهمگن معرفی می‌کنند. تنوع زنان و دختران دارای معلولیت باید شامل انواع اختلالات باشد.[[6]](#footnote-6) اطمینان از مشارکت زنان و دختران دارای معلولیت در مشاوره‌های مربوط به مسائل خاص که به‌طور انحصاری یا نامتناسب بر زنان و دختران دارای معلولیت تأثیر می‌گذارد، و مسائل مربوط به زنان و دختران به‌طورکلی مانند سیاست‌های برابری جنسیتی، ضروری است.

**(ج) سازمان‌ها و ابتکارات کودکان و نوجوانان دارای معلولیت که برای مشارکت کودکان در زندگی عمومی و اجتماعی و برای شنیده شدن حقوقشان و آزادی بیان و انجمن‌های آن‌ها ضروری است**. بزرگ‌سالان نقش کلیدی و حمایتی در ترویج محیطی ایفا می‌کنند که کودکان و نوجوانان دارای معلولیت را قادر می‌سازد تا در سازمان‌ها و ابتکارات خود، ازجمله با همکاری با بزرگ‌سالان و سایر کودکان و نوجوانان، رسماً یا به‌طور غیررسمی اقدام کنند.

**ب. تفاوت بین سازمان‌های افراد دارای معلولیت و دیگر سازمان‌های جامعه مدنی**

۱۳. کمیته بر اهمیت تمایز میان سازمان‌های افراد دارای معلولیت، که از افراد دارای معلولیت تشکیل شده و توسط آن‌ها اداره/رهبری می‌شوند، و سازمان‌هایی «برای» افراد دارای معلولیت، که هر سازمان ایجادشده در راستای فراهم‌سازیِ خدمات و / یا ادوکسی از جانب افراد دارای معلولیت است، که در عمل ممکن است به موجب تداخل منافع این سازمان‌ها اولویت‌های خود را به‌عنوان مؤسسات خصوصی بر حقوق افراد دارای معلولیت ترجیح دهند، تأکید می‌کند. دولت‌های عضو باید به دیدگاه‌های افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها اهمیت ویژه داده، از ظرفیت و توانمندسازی این سازمان‌ها حمایت کرده و اطمینان حاصل کنند که اولویت به وارد کردن نظرات آن‌ها در روند تصمیم‌گیری است.[[7]](#footnote-7)

۱۴. بین سازمان‌های افراد دارای معلولیت و سازمان‌های جامعه مدنی باید تمایز قائل شد. اصطلاح «سازمان جامعه مدنی» شامل انواع مختلف سازمان‌ها، ازجمله سازمان‌ها/ مؤسسات پژوهشی، سازمان‌های ارائه‌دهندگان خدمات و دیگر ذینفعان خصوصی است. سازمان‌های افراد دارای معلولیت نوع خاصی از سازمان‌های جامعه مدنی هستند. آن‌ها ممکن است بخشی از یک سازمان جامعۀ مدنی چتر و / یا ائتلاف‌هایی باشند که لزوماً به‌طور خاص برای حقوق افراد دارای معلولیت ادوکسی نمی‌کنند، اما می‌توانند از جریان سازی حقوق آن‌ها در برنامه کار حقوق بشر حمایت کنند. طبق ماده ۳۳ (۳)، تمام سازمان‌های جامعه مدنی، ازجمله سازمان‌های افراد دارای معلولیت، نقش مهمی را در نظارت بر کنوانسیون بازی می‌کنند. کشورهای عضو باید در هنگام رسیدگی به مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت به نظرات سازمان‌های افراد دارای معلولیت اولویت داده و چارچوب‌هایی را برای درخواست از سازمان‌های جامعه مدنی و سایر ذینفعان برای مشورت و مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در کار خود در رابطه با حقوق مندرج در کنوانسیون و سایر موضوعات مانند عدم تبعیض، صلح و حقوق زیست‌محیطی، توسعه دهند.

**پ. محدوده ماده ۴ (۳)**

۱۵. در پاراگراف «ز» مقدمه کنوانسیون، دولت‌های عضو باید همکاری‌های ارزشمندِ موجود و بالقوه ایجادشده توسط افراد دارای معلولیت در راستای تنوع و رفاه کلیِ اجتماعات آن‌ها و ارتقای بهره‌مندی کامل از همه حقوق بشر به دست افراد دارای معلولیت و مشارکت کامل آن‌ها منتج به افزایش حس تعلق و پیشرفت‌های چشمگیر در توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادیِ جامعه و فقرزدایی را به رسمیت بشناسند.

۱۶. همه افراد دارای معلولیت، بدون هیچ‌گونه نوعی از مستثنی شدن بر اساس نوع اختلال، مانند افراد دارای معلولیت‌های روانی یا عقلی، می‌توانند به‌طور مؤثر و کاملاً بدون تبعیض به‌طور مساوی با دیگران مشارکت داشته باشند.[[8]](#footnote-8) حق مشارکت در مشاوره‌ها از طریق سازمان‌های نمایندگی خود باید به نحو برابر برای همه افراد دارای معلولیت، بدون در نظر گرفتن، به‌عنوان‌مثال گرایش جنسی و هویت جنسیتی، شناخته شود. کشورهای عضو باید چارچوب جامع علیه تبعیض برای تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی همه افراد دارای معلولیت اتخاذ کنند و قوانینی که افراد یا سازمان‌های افراد دارای معلولیت را بر اساس جنس، جنسیت یا وضعیت اجتماعی اعضای آن مجازات کرده و آن‌ها را از حق مشارکت در زندگی عمومی و سیاسی منع می‌کند، لغو کنند.

۱۷. تعهد قانونی کشورهای عضو برای اطمینان از مشورت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت شامل دسترسی به فضاهای عمومی تصمیم‌گیری و همچنین سایر زمینه‌های تحقیق، طراحی جهانی، مشارکت، تفویض قدرت و کنترل توسط شهروندان است.[[9]](#footnote-9) علاوه بر این، تعهدی است که شامل سازمان‌های جهانی و / یا منطقه‌ای افراد دارای معلولیت می‌شود.

**۱. مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت**

۱۸. عبارت «در باب مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت» که در ماده ۴ (۳) به آن اشاره شده است، طیف کاملی از تدابیر قانون‌گذاری، اداری و سایر تدابیر که ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر افراد دارای معلولیت تأثیر بگذارند را پوشش می‌دهد. تفسیر گسترده از مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد تا از طریق سیاست‌های فراگیر، موضوع معلولیت را جریان سازی کنند و اطمینان دهند که افراد دارای معلولیت برمبنای برابر با سایرین لحاظ می‌شوند. این امر، همچنین، تضمین می‌کند که به هنگام تصمیم‌گیری درباره تدابیر جدید قانون‌گذاری، اداری و سایر تدابیر، دانش و تجربه زندگی افراد دارای معلولیت لحاظ می‌شود. این امر شامل هرگونه روند تصمیم‌گیری تأثیرگذار بر زندگی‌شان، خواه ویژه معلولیت یا جریان سازی، مانند قوانین عمومی، قوانین ویژه معلولیت یا بودجه عمومی می‌شود.[[10]](#footnote-10)

۱۹. مشاوره‌های تحت ماده ۴ (۳) مانع از مشارکت دولت‌ها در هرگونه اقدام یا عملی می‌شود که ممکن است با کنوانسیون و حقوق افراد دارای معلولیت ناسازگار باشد. در مواردی که اختلاف‌نظر در مورد تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات مورد بحث است، بر عهده مقامات دولتی کشورهای عضو است که ثابت کنند موضوع مورد بحث تأثیرات نامتناسبی بر افراد دارای معلولیت ندارد و بنابراین مشاوره‌ای ضرورت ندارد.

۲۰. نمونه‌هایی از موضوعاتی که به‌طور مستقیم بر افراد دارای معلولیت تأثیر می‌گذارد، عبارت‌اند از عدم نهادینه‌سازی، بیمه اجتماعی و حقوق بازنشستگی معلولیت، کمک‌های شخصی، الزامات دسترسی و سیاست‌های تطابق منطقی با محیط. اقداماتی که به‌طور غیرمستقیم بر افراد دارای معلولیت تأثیر می‌گذارد به قانون اساسی حقوق انتخاباتی، دسترسی به عدالت، انتصاب مقامات اداری که سیاست‌های خاص مربوط به معلولیت یا سیاست‌های عمومی درزمینهٔ آموزش، بهداشت، کار و اشتغال را بر عهده دارند، مربوط می‌شود.

**۲. مشاوره نزدیک و به‌کارگیری فعالانه**

۲۱. «*مشاوره نزدیک با افراد دارای معلولیت و به‌کارگیری فعالانه آن‌ها*» از طریق سازمان‌های نماینده‌شان یک تعهد تحت حقوق بشر بین‌المللی است که مستلزم شناسایی ظرفیت قانونی همه افراد برای شرکت در روندهای تصمیم‌گیری بر مبنای تمامیت شخصی و خودمختاری است. مشاوره و شرکت در روند تصمیم‌گیری برای اجرای کنوانسیون، و در سایر روندهای تصمیم‌گیری باید همه افراد دارای معلولیت و در صورت لزوم رژیم‌های تصمیم‌گیری حمایت شده را در برگیرد.

۲۲. کشورهای عضو باید به‌طور سیستماتیک و آشکار به سازمان‌های افراد دارای معلولیت نزدیک شده، به موقع و به شیوه‌ای معنادار با آن‌ها مشورت کنند و آن‌ها را درگیر کنند. این امر مستلزم دسترسی به تمام اطلاعات مربوطه، ازجمله وب‌سایت‌های نهادهای دولتی، از طریق فرمت‌های قابل‌دسترسی دیجیتال و تطابق منطقی با محیط در صورت لزوم،

مانند فراهم‌سازی مترجمان زبان اشاره و متون و زبان آسان خوان، خط بریل و ارتباط لامسه، است. مشاوره باز با افراد دارای معلولیت، دسترسی به تمام جنبه‌های تصمیم‌گیری عمومی، ازجمله منابع مالی ملی و تمام نهادهای تصمیم‌گیری مربوط به اجرا و ارزیابی کنوانسیون باید بر مبنای برابر با دیگران فراهم باشد.

۲۳. مقامات دولتی باید در هنگام رسیدگی به مسائلی که مستقیماً مربوط به افراد دارای معلولیت است به نظرات و دیدگاه‌های سازمان‌های افراد دارای معلولیت توجه کرده و آن‌ها را در اولویت قرار دهند. مقامات دولتی هدایت کننده فرآیند تصمیم‌گیری، وظیفه دارند سازمان‌های افراد دارای معلولیت را از نتایج این فرایندها ازجمله توضیح صریح قابل فهم از یافته‌ها، ملاحظات و استدلال تصمیم‌گیری درباره اینکه چگونه و چرا دیدگاه‌های آن‌ها در نظر گرفته شد، مطلع کنند.

**۳. شامل کردن کودکان دارای معلولیت**

۲۴. ماده ۴ (۳) همچنین اهمیت شامل کردن سیستماتیک «کودکان دارای معلولیت» در گسترش و اجرای قانون‌گذاری و سیاست‌های اجرای کنوانسیون و همچنین در سایر روندهای تصمیم‌گیری از طریق سازمان‌های کودکان دارای معلولیت یا حمایت از کودکان دارای معلولیت، اذعان کرده است. این سازمان‌ها کلید تسهیل، ترویج و صیانت از خودمختاری فردی و مشارکت فعالانه کودکان دارای معلولیت هستند. کشورهای عضو باید محیطی مناسب ازجمله منابع مناسب حمایتی برای تشکیل و کارکرد سازمان‌های نماینده کودکان دارای معلولیت به‌عنوان بخشی از وظیفه خود برای حمایت از حق آزادی اجتماعات ایجاد کنند.

۲۵. کشورهای عضو باید قوانین، مقررات و برنامه‌هایی اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که همه خواست و اولویت کودکان را درک کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارند و توانایی‌های در حال تحول آن‌ها را در هر زمان در نظر می‌گیرند. شناخت و ارتقاء حق خودمختاری فرد اهمیت اساسی برای همه افراد دارای معلولیت، ازجمله کودکان دارد که به‌عنوان صاحبان حقوق مورد احترام قرار گیرند.[[11]](#footnote-11) کودکان دارای معلولیت می‌توانند به شیوه بهتر نیازها و تجارب خود که برای ایجاد قوانین و برنامه‌های مناسب مطابق با کنوانسیون لازم است را بیان کنند.

۲۶. کشورهای عضو می‌توانند سمینارها / جلساتی را برگزار کنند که در آن کودکان دارای معلولیت برای ابراز نظرات خود دعوت شوند. آن‌ها همچنین می‌توانند دعوت‌نامه‌های باز برای کودکان دارای معلولیت برای ارائه مقالات در موضوعات خاص با تشویق آن‌ها بر شرح تجارب و انتظارات زندگی، ارسال کنند. مقاله‌ها می‌تواند به‌عنوان ورودی خود کودکان خلاصه شده و به‌طور مستقیم در فرآیندهای تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود.

**۴. مشارکت کامل و مؤثر**

۲۷. «*مشارکت کامل و مؤثر*» (ماده ۳ (پ)) در جامعه به مشارکت همه شهروندان ازجمله افراد دارای معلولیت، اشاره می‌کند تا حس حضور در جامعه و نهادهای آن و تعلق به آن‌ها را ممکن سازد. این شامل تشویق و دریافت پشتیبانی مناسب، ازجمله حمایت همسالان و حمایت برای مشارکت در جامعه، و عدم انگ خوردن و احساس امنیت و احترام در هنگام بیان خود در عموم است. مشارکت کامل و مؤثر، مستلزم آن است که کشورهای عضو مشارکت را تسهیل کرده و با افراد دارای معلولیت که تنوع وسیعی از اختلالات را نمایندگی می‌کنند مشورت نمایند.

۲۸. حق مشارکت یک حق مدنی و سیاسی و یک تعهد فوری است که مشروط به هیچ نوع محدودیت بودجه نمی‌شود و قابل‌اعمال در روندهای تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت کنوانسیون است. با تضمین مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در هر یک از این مراحل، افراد دارای معلولیت قادر به شناسایی بهتر و مشخص کردن اقداماتی هستند که می‌توانند یا حقوقشان را پیش ببرند یا مانع از آن‌ها شوند، که در نهایت نتایج بهتری را برای چنین پروسه‌های تصمیم‌گیری به ارمغان می‌آورد. مشارکت کامل و مؤثر باید به‌عنوان یک فرآیند، نه به‌عنوان یک رویداد یک‌باره در نظر گرفته شود.[[12]](#footnote-12)

۲۹. مشارکت افراد دارای معلولیت در اجرا و نظارت بر کنوانسیون زمانی امکان دارد که چنین افرادی بتوانند حقوق خود بر آزادی بیان، تجمعات و انجمن‌های صلح‌آمیز آن‌طور که در مواد ۱۹، ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است را اجرا کنند. افراد دارای معلولیت و سازمان‌های نماینده آن‌ها که در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی برای اجرا و نظارت بر کنوانسیون نقش دارند باید در نقش خود به‌عنوان مدافعان حقوق بشر[[13]](#footnote-13) شناخته شده و از تهدید، تعقیب و آزار و اذیت مخصوصاً در هنگام ابراز نظرات مخالف، محافظت شوند.

۳۰. حق مشارکت همچنین شامل تعهدات مربوط به حق رسیدگی و حق شنیده شدن می‌شود. کشورهای عضو که از نزدیک با سازمان‌های افراد دارای معلولیت مشورت کرده و آن‌ها را فعالانه در تصمیم‌گیری‌های عمومی مشارکت می‌دهند، همچنین به حقوق افراد دارای معلولیت برای مشارکت کامل و مؤثر در زندگی عمومی و سیاسی، ازجمله حق رأی دادن و کاندید شدن برای انتخابات ترتیب اثر می‌دهند. (ماده ۲۹ کنوانسیون).

۳۱. مشارکت کامل و مؤثر در برگیرنده مشارکت افراد دارای معلولیت در بدنه‌های مختلف تصمیم‌گیری هم در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و هم در مؤسسات ملی حقوق بشر، کمیته‌های خاص، شوراها، سازمان‌های منطقه‌ای یا شهری می‌شود. کشورهای عضو باید در قوانین و مقررات خود به رسمیت بشناسند که همه افراد دارای معلولیت می‌توانند کاندید شده یا انتخاب شوند. به‌عنوان‌مثال، اطمینان از نامزدی افراد دارای معلولیت در شوراهای معلولیت در سطح شهرداری و یا به‌عنوان دفتر مشخص حقوق معلولیت در ترکیب نهادهای ملی حقوق بشر.

۳۲. کشورهای عضو باید مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در سطح بین‌المللی، به‌عنوان‌مثال در مجامع سیاسی سطح بالا در مورد توسعه پایدار و مکانیسم‌های حقوق بشر منطقه‌ای و جهانی را تقویت کنند. مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نمایندگی آن‌ها، درنتیجه منجر به کارایی بیشتر و استفاده مساوی از منابع عمومی شده و منجر به بهبود نتایج برای این افراد و جوامع آن‌ها خواهد شد.

۳۳. مشارکت کامل و مؤثر می‌تواند ابزاری دگرگون‌کننده برای تغییرات اجتماعی نیز باشد و عاملیت و توانمندسازیِ شهروندان را بهبود بخشد. به‌کارگیری سازمان‌های افراد دارای معلولیت در همه اشکال تصمیم‌گیری، توانایی آن‌ها را در دفاع و مذاکره بیشتر می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا دیدگاه‌های خود را محکم‌تر بیان کنند، آرمان‌های خود را تحقق بخشند و صدای خود را قوی‌تر کنند. کشورهای عضو باید مشارکت کامل و مؤثر افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها را به‌عنوان ابزار اندازه‌گیری مشارکت آن‌ها در جامعه تضمین کرده و با تبعیض علیه آن‌ها مبارزه کنند. کشورهای عضو که مشارکت کامل و مؤثر را تضمین کرده و با سازمان‌های افراد دارای معلولیت کار می‌کنند شفافیت و پاسخگویی را بهبود بخشیده و به نیازهای چنین افرادی پاسخگو هستند.[[14]](#footnote-14)

**د. ماده ۳۳: مشارکت جامعه مدنی در اجرا و نظارت در سطح ملی**

۳۴. ماده ۳۳ کنوانسیون مکانیسم‌های ملی اجرا و چارچوب نظارت مستقل را ایجاد می‌کند و مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت را فراهم می‌کند. ماده ۳۳ باید به‌عنوان مکمل ماده ۴ (۳) خوانده و درک شود.

۳۵. ماده ۳۳ (۱) کشورهای را ملزم می‌کند یک یا چند نقطه کانونی و / یا مکانیزم‌های هماهنگی برای تضمین اجرای کنوانسیون و تسهیل اقدامات مربوطه ایجاد کنند. کمیته توصیه می‌کند که نقاط کانونی / یا مکانیزم‌های هماهنگ کننده شامل نمایندگان سازمان‌های افراد دارای معلولیت و روش‌های رسمی تعامل و ارتباط با چنین سازمان‌هایی در مراحل مشورتی مربوط به کنوانسیون باشد.

۳۶. طبق ماده ۳۳ (۲) کمیته اهمیت ایجاد، حفظ و ارتقای چارچوب نظارت مستقل، ازجمله مؤسسات ملی حقوق بشر در تمام مراحل پروسه نظارت، را به رسمیت شناخته است.[[15]](#footnote-15) چنین مؤسساتی نقش مهمی در روند نظارت کنوانسیون، ترویج تطابق در سطح ملی و در تسهیل اقدامات هماهنگ شده عوامل ملی، ازجمله نهادهای دولتی و جامعه مدنی برای حفاظت و ارتقاء حقوق بشر را دارند.

۳۷. ماده ۳۳ (۳) بر تعهد دولت‌ها مبنی بر اطمینان از حضور جامعه مدنی و مشارکتش در چارچوب نظارت مستقل ایجادشده بر اساس کنوانسیون تأکید دارد. مشارکت جامعه مدنی باید دربرگیرنده افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها شود.

۳۸. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که چارچوب نظارت مستقل تسهیل و مشارکت فعال سازمان‌های افراد دارای معلولیت در چنین چارچوب‌ها و فرآیندهایی را از طریق مکانیزم‌های رسمی اجازه داده و اطمینان حاصل کنند که صدای آن‌ها در گزارش‌ها و تحلیل‌هایش شنیده می‌شود. ورود سازمان‌های افراد دارای معلولیت در چارچوب نظارت مستقل و کار آن‌ها می‌تواند چندین فرم داشته باشد، برای مثال، از طریق کرسی در هیئت‌مدیره یا هیئت‌های مشورتی چارچوب نظارت مستقل.

۳۹. ماده ۳۳ (۳) دلالت بر آن دارد که دولت‌ها باید تقویت ظرفیت در جامعه مدنی، به‌ویژه سازمان‌های افراد دارای معلولیت را برای تأمین مشارکت مؤثر آن‌ها در فرایندهای چارچوب نظارت مستقل، حمایت کرده و از نظر مالی تأمین کنند. سازمان‌های افراد دارای معلولیت باید منابع مناسب، ازجمله حمایت مالی از طریق منابع مستقل و تحت مدیریت خود برای شرکت در چارچوب نظارت مستقل داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که مستلزمات تطابق منطقی با مقتضیات محیط و دسترسی برای عضویت در آن تأمین شده است. حمایت و بودجه سازمان‌های افراد دارای معلولیت در رابطه با ماده ۳۳ (۳)، تعهدات کشورهای عضو را تحت ماده ۴ (۳) کنوانسیون تکمیل کرده و آن‌ها را نقض نمی‌کند.

۴۰. هر دو کنوانسیون و استراتژی‌های مربوط به اجرا باید ترجمه و قابل دسترس برای افرادی باشد که انواع متنوعی از اختلالات را نمایندگی می‌کنند. کشورهای عضو باید دسترسی به اطلاعاتی که به آن‌ها امکان می‌دهد تا مسائل مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری را درک و ارزیابی کرده و ورودی‌های معنی‌دار را ارائه دهند را برای افراد دارای معلولیت فراهم کنند.

۴۱. برای اجرای ماده ۳۳ (۳) کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت دسترسی آسان به نقاط کانونی درون دولت و / یا مکانیزم هماهنگی دارند.

**سوم. وظایف دولت‌های عضو**

۴۲. در اظهارات نهایی خود، کمیته وظیفه رایزنی نزدیک و به موقع و به‌کارگیری فعالانه افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها ازجمله آن‌هایی که زنان و کودکان دارای معلولیت را در توسعه و اجرای قوانین و سیاست‌ها جهت اجرای کنوانسیون و در سایر روندهای تصمیم‌گیری نمایندگی می‌کنند، را به کشورهای عضو یادآوری می‌کند.

۴۳. کشورهای عضو ملزم هستند تا شفافیت فرآیندهای مشاوره، مقررات اطلاعات مناسب و قابل دسترس و دخالت زودهنگام و پیوسته را تضمین کنند. کشورهای عضو نباید اطلاعات را نگه‌داشته یا مشروط کرده یا سازمان‌های افراد دارای معلولیت را از بیان آزادانه نظرات خود در مشاوره و در سراسر پروسه‌های تصمیم‌گیری منع کنند. این شامل هر دو سازمان‌های ثبت شده و ثبت نشده، مطابق با حق آزادی اجتماعات می‌شود که باید قانونا مقرر شده باشد و از انجمن‌هایی که به‌طور مساوی ثبت‌نشده‌اند، حمایت کند.[[16]](#footnote-16)

۴۴. کشورهای عضو نباید ثبت سازمان‌دهی افراد دارای معلولیت را پیش‌شرطی برای شرکت در مراحل مشورتی گسترده بدانند. بااین‌وجود، آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت می‌توانند ثبت شده و حق خود بر مشارکت را تحت ماده ۴ (۳) و ۳۳ (۳) اجرا کنند، سیستم‌های رایگان و قابل دسترس فراهم کرده و ثبت چنین سازمان‌هایی را تسهیل کنند.[[17]](#footnote-17)

۴۵. دولت‌های عضو باید دسترسیِ افراد دارای معلولیت را به همه تسهیلات و رویه‌های مربوط به رایزنی و تصمیم‌گیری عمومی تضمین کنند. کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای دسترسی افراد دارای معلولیت، ازجمله افرادی که مبتلا به اوتیسم هستند، بر مبنای برابر با دیگران، به محیط‌زیست ازجمله ساختمان‌ها، حمل‌ونقل، آموزش‌وپرورش، اطلاعات و ارتباطات به زبان خود، ازجمله اطلاعات جدید فن‌آوری‌ها و سیستم‌ها و وب‌سایت‌های سازمان‌های دولتی و دیگر امکانات و خدمات گشایش‌یافته یا فراهم شده برای عموم هم در محیط‌های شهری و هم روستایی، فراهم کنند. کشورهای عضو نیز باید از قابل دسترس بودن فرایندهای مشاوره برای مثال، با ارائه مترجمان زبان اشاره، بریل و آسان خوان – اطمینان حاصل کنند و باید برای تضمین مشارکت نمایندگان همه افراد دارای معلولیت در مراحل مشاوره، همان‌طور که در پاراگراف‌های ۱۱، ۱۲ و ۵۰ تعریف شده است، حمایت، منابع مالی و تطابق منطقی با مقتضیات در صورت تناسب و درخواست[[18]](#footnote-18) فراهم کنند.

۴۶. دستیاران جلسات و افراد، حامی، اطلاعات در فرمت‌های قابل دسترس (مانند زبان ساده، سیستم‌های آسان خواندن، سیستم‌های جایگزین و تقویت ارتباط)، تفسیر زبان اشاره، راهنمای مترجمان برای افراد ناشنوا و / یا پانویس در طی بحث‌های عمومی باید برای سازمان‌هایی از افراد دارای معلولیت‌های حسی و ذهنی، ازجمله سازمان‌های خود مدافع و سازمان‌های افراد دارای معلولیت روانی اجتماعی، فراهم شود.[[19]](#footnote-19) کشورهای عضو باید منابع مالی را برای پوشش هزینه‌های مربوط به مراحل مشاوره برای نمایندگان سازمان‌های افراد دارای معلولیت، ازجمله حمل‌ونقل و سایر هزینه‌هایی که ضرورتاً برای حضور در جلسات و جلسات فنی صورت می‌گیرد، اختصاص دهند.

۴۷. مشاوره با سازمان‌های افراد دارای معلولیت باید بر اساس شفافیت، احترام متقابل، گفتگو معنی‌دار و یک هدف صریح برای رسیدن به یک توافق جمعی در مورد رویه‌هایی که به تنوع افراد دارای معلولیت پاسخ می‌دهد، باشد. چنین فرایندهایی باید زمان‌بندی‌های منطقی و واقع‌بینانه را با توجه به ماهیت سازمان‌های افراد دارای معلولیت، که اغلب به کار «داوطلبان» بستگی دارد، را در نظر داشته باشد. کشورهای عضو باید ارزیابی دورهای از عملکرد مشارکت و سازوکار مشاوره خود با مشارکت فعال سازمان‌های افراد دارای معلولیت داشته باشند.[[20]](#footnote-20)

۴۸. دیدگاه‌های افراد دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. کشورهای عضو باید تضمین کنند تنها به دلیل نشان دادن اینکه با افراد دارای معلولیت مشاوره صورت گرفته است، پای صحبت این افراد نمی‌نشینند و رویکرد به مشاوره نباید فقط نشان دادن این موضوع باشد که چنین کاری صورت می‌گیرد.[[21]](#footnote-21) کشورهای عضو باید نتایج چنین مشاوره‌ای را در نظر گرفته و آن‌ها را در تصمیمات خود[[22]](#footnote-22) با اطلاع کامل شرکت‌کنندگان از نتایج این روند، منعکس کنند.[[23]](#footnote-23)

۴۹. کشورهای عضو باید در مشاوره نزدیک و مؤثر و با مشارکت فعال سازمان‌های افراد دارای معلولیت، مکانیسم‌ها و روش‌های مناسب و شفاف را در شاخه‌های مختلف و سطوح حکومتی ایجاد کنند تا دیدگاه‌های چنین سازمان‌هایی را هنگام تبیین تصمیم عمومی صریحاً موردنظر قرار دهند.

۵۰. دولت‌های عضو باید مشاوره نزدیک و مشارکت فعالانه سازمان‌های افراد دارای معلولیت ازجمله همه افراد دارای معلولیت ازجمله زنان، سالخوردگان، کودکان، کسانی که کمک‌های اضافه لازم دارند،[[24]](#footnote-24) قربانیان مین، مهاجران، پناه‌جویان و متقاضیان پناهندگی، افراد بدون تابعیت، افراد بدون مدارک و بدون تابعیت، یا افراد مبتلا به اختلالات روحی و روانی، افراد دارای معلولیت فکری، افراد که مشکل عصبی دارند، ازجمله افرادی که مبتلا به اوتیسم یا زوال عقل هستند، افراد مبتلا به آلبینیسم، اختلالات فیزیکی دائمی، درد مزمن، جهش و اختلالات بینایی و افراد ناشنوا، افراد دارای اختلال شنوایی و / یا کسانی که با اچ‌آی‌وی / ایدز زندگی می‌کنند را تضمین کنند. تعهد دولت‌ها به مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت شامل این افراد هم می‌شود: افرادی با معلولیت با گرایش جنسی خاص و / یا هویت جنسیتی، افراد بینا جنسیتی دارای معلولیت و افراد دارای معلولیت متعلق به مردم بومی، ملی، قومی، مذهبی و اقلیت‌های زبانی و کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند.

۵۱. کشورهای عضو باید رفتارهای تبعیض‌آمیز و سایر اقدامات توسط اشخاص ثالث، ازجمله ارائه‌دهندگان خدمات، کسانی که مستقیماً یا غیرمستقیم با حق افراد دارای معلولیت برای مورد مشورت قرار گرفتن و فعالانه در روند تصمیم‌گیری مربوط به کنوانسیون شرکت کردن مداخله می‌کنند را ممنوع کنند.

۵۲. کشورهای عضو باید قوانین و سیاست‌هایی را اتخاذ و اجرا کنند تا اطمینان حاصل شود که افراد دارای معلولیت می‌توانند از حق خود برای مشورت بهره‌مند شده و از اعمال این حق توسط دیگران بازداشته نشوند. این اقدامات شامل افزایش آگاهی در میان اعضای خانواده، ارائه‌دهندگان خدمات و کارمندان عمومی در مورد حقوق افراد دارای معلولیت برای شرکت در زندگی عمومی و سیاسی است. کشورهای عضو باید مکانیزم‌هایی را برای محکوم کردن تضاد منافع نمایندگان سازمان‌های افراد دارای معلولیت یا سایر ذینفعان برای جلوگیری از تأثیرات منفی آن‌ها بر استقلال، اراده و ترجیحات افراد دارای معلولیت ایجاد کنند.

۵۳. برای انجام تعهدات خود به موجب ماده ۴ (۳)، کشورهای عضو باید چارچوب قانونی و نظارتی را برای تضمین مشارکت کامل و مساوی افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده خود در فرایندهای تصمیم‌گیری و تهیه پیش‌نویس قوانین و سیاست‌ها در مورد مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت، ازجمله قوانین مربوط به معلولیت، سیاست‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی، اتخاذ کنند. کشورهای عضو باید مقرراتی را برای اعطای کرسی به سازمان‌های افراد دارای معلولیت، به‌عنوان‌مثال، در کمیته‌های دائمی و / یا نیروهای موقت با دادن حق انتخاب اعضای کاری در این سازمان‌ها تصویب کنند.

۵۴. کشورهای عضو باید آیین رسمی مشاوره، شامل برنامه‌ریزی نظرسنجی‌ها، جلسات و سایر روش‌ها، تنظیم زمان‌های مناسب، مشارکت زودهنگام سازمان‌های افراد دارای معلولیت، و انتشار پیشین، به موقع و گسترده اطلاعات مرتبط برای هر فرایند، را ایجاد و تنظیم کنند. کشورهای عضو باید در مشورت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت ابزارهای آنلاین قابل دسترس برای مشاوره طراحی کرده و/ یا روش‌های جایگزین مشاوره در قالب‌های دیجیتال در دسترس فراهم کنند. برای اطمینان از این‌که هیچ کس در رابطه با مراحل مشاوره نادیده گرفته نشده است، کشورهای عضو باید افرادی را جهت پیگیری حضور، توجه به گروه‌هایی که نمایندگی نشده‌اند تعیین کرده و شرایط دسترسی و انطباق منطقی با محیط را تضمین کنند. به همین ترتیب، آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت که همه این گروه‌ها را نمایندگی می‌کنند، ازجمله با ارائه اطلاعات در مورد شرایط انطباق منطقی با محیط و دسترسی مشارکت داشته و مورد مشاوره قرارگرفته‌اند.

۵۵. دولت‌ها باید در هنگام انجام مطالعات و تحلیل‌های آماده‌سازی برای اتخاذ سیاست، با سازمان‌های افراد دارای معلولیت مشورت و مشاوره کرده و فعالانه ارتباط داشته باشند. فرم‌های عمومی یا فرآیندهای بازبینی پیشنهادات سیاست باید برای افراد دارای معلولیت به‌طور کامل برای مشارکت در دسترس باشند.

۵۶. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در فرآیندهای نظارت، از طریق چارچوب نظارت مستقل، بر اساس روال مشخص، زمان‌بندی مناسب و انتشار قبلی اطلاعات مرتبط است. سیستم‌های نظارت و ارزیابی باید سطح مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در تمام سیاست‌ها و برنامه‌ها را بررسی و اطمینان حاصل کنند که دیدگاه‌های این افراد در اولویت قرارگرفته است. برای انجام مسئولیت اصلی خود درزمینهٔ ارائه خدمات، کشورهای عضو برای به دست آوردن ورودی از خود کاربران خدمات باید دنبال مشارکت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت باشند.[[25]](#footnote-25)

۵۷. کشورهای عضو باید، ترجیحاً، ایجاد یک ائتلاف نمایندگی واحد، متحد و متشکل از سازمان‌های افراد دارای معلولیت که شامل تمامی حوزه‌های معلولیت است و به تنوع و تفاوت آن‌ها احترام می‌گذارد را تشویق کرده و از مشارکت آن در نظارت بر کنوانسیون در سطح ملی اطمینان حاصل کند. سازمان‌های جامعه مدنی به‌طورکلی نمی‌توانند سازمان‌های افراد دارای معلولیت را نمایندگی یا تکرار کنند.[[26]](#footnote-26)

۵۸. ارتقاء ادوکسی و توانمندسازی افراد دارای معلولیت، عوامل کلیدی مشارکت آن‌ها در امور عمومی هستند؛ آن‌ها خواستار توسعه مهارت‌های فنی، اداری و ارتباطی و تسهیل دسترسی به اطلاعات و ابزار مربوط به حقوق و قوانین و سیاست‌های آن‌ها می‌باشند.

۵۹. موانعی که افراد دارای معلولیت در دسترسی به آموزش فراگیر با آن مواجهه هستند، فرصت‌های آن‌ها برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی را به خطر می‌اندازند، که به نوبه خود بر ظرفیت ساختاری سازمان‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. موانع در دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، فقدان انطباق منطقی با محیط و درآمد کم و بیکاری در میان افراد دارای معلولیت همچنین ظرفیت این افراد را برای شرکت در فعالیت‌های جامعه مدنی محدود می‌کند.

۶۰. کشورهای عضو باید ظرفیت سازمان‌های افراد دارای معلولیت برای مشارکت در تمام مراحل سیاست‌گذاری، با ایجاد ظرفیت‌سازی و آموزش بر اساس مدل حقوق بشری معلولیت، ازجمله از طریق تأمین مالی مستقل، تقویت کنند. کشورهای عضو باید از افراد دارای معلولیت و سازمان‌های نماینده آن‌ها نیز در توسعه مهارت‌ها، دانش و مهارت‌هایی که برای ادوکسی مستقل برای مشارکت کامل و مؤثر در جامعه لازم است و در ایجاد اصول قوی‌تر حکومت دموکراتیک مانند احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، پلورالیسم و مشارکت، حمایت کنند. علاوه بر این، کشورهای عضو باید راهنمایی‌هایی در مورد نحوه دسترسی به بودجه و تنوع منابع پشتیبانی خود ارائه دهند.[[27]](#footnote-27)

۶۱. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت می‌توانند به آسانی و آزادانه ثبت شوند و دنبال منابع مالی از اهداکنندگان ملی و بین‌المللی ازجمله افراد خصوصی، شرکت‌های خصوصی، تمام مؤسسات عمومی و خصوصی، سازمان‌های جامعه مدنی و دولت، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشند.[[28]](#footnote-28) کمیته توصیه می‌کند که کشورهای عضو معیارهایی را برای تخصیص بودجه برای مشورت اختصاص دهند، ازجمله:

 (الف) تأمین بودجه به‌طور مستقیم برای سازمان‌های افراد دارای معلولیت و اجتناب از واسطه‌های شخص ثالث؛

(ب) اولویت‌بندی منابع برای سازمان‌های افراد دارای معلولیت که در درجه اول بر ادوکسی حقوق معلولیت تمرکز دارد؛

(پ) اختصاص منابع مالی ویژه برای سازمان‌های زنان و کودکان دارای معلولیت جهت تأمین مشارکت کامل و مؤثر آن‌ها در فرآیند پیش‌نویس، توسعه و اجرای قوانین و سیاست‌ها و در چارچوب نظارت؛[[29]](#footnote-29)

(ت) تقسیم بودجه به صورت برابر در میان سازمان‌های مختلف افراد دارای معلولیت، ازجمله بودجه‌های پایه‌ای نهادی در عوض بودجه محدود بر اساس پروژه‌ها؛

(ث) تضمین استقلال سازمان‌های افراد دارای معلولیت در تصمیم‌گیری در مورد برنامه ادوکسی علی‌رغم دریافت بودجه؛

(ج) تفاوت میان بودجه برای اداره سازمان‌های افراد دارای معلولیت و پروژه‌های انجام شده توسط چنین سازمان‌هایی؛

(چ) تأمین بودجه برای همه سازمان‌های افراد دارای معلولیت، ازجمله برای سازمان‌های خود‌ مدافع و / یا آن‌هایی که به دلیل قوانینی که ظرفیت قانونی اعضای آن‌ها را انکار می‌کند و مانع ثبت‌نام سازمان‌هایشان می‌شود، وضعیت حقوقی ندارند؛

(ح) تصویب و اجرای فرآیندهای درخواست بودجه در قالب‌های قابل دسترس.

۶۲. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت به منظور حمایت از فعالیت‌های خود، جلوگیری از شرایطی که در آن باید تنها بر منابع خارجی تکیه کنند که توانایی آن‌ها را در ایجاد ساختار سازمانی سازگار محدود می‌کند، دسترسی به منابع مالی ملی دارند.[[30]](#footnote-30) سازمان‌های افراد دارای معلولیت که از منابع مالی عمومی و خصوصی و حق عضویت استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند مشارکت افراد دارای معلولیت را در کلیه تصمیم‌گیری سیاسی و اداری تضمین کرده و از آن‌ها برای ایجاد و اداره فعالیت‌های فردی و مختلف گروهی حمایت کنند.

۶۳. کشورهای عضو باید از طریق ایجاد یک سازوکار رسمی قانونی شناخته شده پاسخگو، برای مثال صندوق‌های اعتباری در سطوح ملی و بین‌المللی، تأمین مالی مناسب و کافی برای سازمان‌های افراد دارای معلولیت را تضمین کنند.

۶۴. کشورهای عضو باید منابع عمومی را برای ایجاد و تقویت سازمان‌های افراد دارای معلولیت که تمام انواع معلولیت‌ها را نمایندگی می‌کنند، افزایش دهند. آن‌ها همچنین باید دسترسی آن‌ها به بودجه ملی را ازجمله از طریق معافیت مالیاتی و معافیت از مالیات بر ارث و قرعه‌کشی ملی تضمین کنند.[[31]](#footnote-31) کشورهای عضو باید به‌عنوان بخشی از همکاری‌های بین‌المللی و کمک‌های توسعه، ازجمله در سطح منطقه‌ای، بر اساس زمینه برابر با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری، دسترسی به منابع خارجی سازمان‌های افراد دارای معلولیت را ارتقا دهند و تسهیل کنند.

۶۵. کشورهای عضو باید مکانیزم‌ها و رویه‌های قوی جهت تضمین مجازات‌های مؤثر برای عدم تطابق با تعهدات تحت مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) ایجاد کنند. مطابقت باید توسط نهادهای مستقل، نظیر دفتر آمبودزمان یا کمیسیون پارلمانی، که قدرت آغاز تحقیقات و مسئول دانستن مسئولین را دارد صورت گیرد. درعین‌حال، سازمان‌های افراد دارای معلولیت نیز باید بتوانند اقدامات قانونی علیه مؤسسات در صورت عدم تطابق آن‌ها با مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳)، اتخاذ کنند.[[32]](#footnote-32) چنین مکانیزم‌هایی باید قسمتی از چارچوب قانونی حاکم بر مشاوره و مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت و قوانین ضد تبعیض[[33]](#footnote-33) در تمام سطوح تصمیم‌گیری باشد.

۶۶. کشورهای عضو باید ابزارهای مؤثر، ازجمله با ماهیت جمعی یا اقدامات گروهی را برای تطابق با حق افراد دارای معلولیت برای مشارکت به رسمیت بشناسند. مقامات دولتی می‌توانند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در تضمین دسترسی افراد دارای معلولیت به عدالت در شرایطی که منافع آن‌ها را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد، سهیم باشند.[[34]](#footnote-34) جبران خسارت‌های مؤثر می‌تواند شامل موارد زیر باشد: (الف) تعلیق روند؛ (ب) بازگشت مرحله اولیه اقدامات برای تضمین مشورت و مشارکت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت؛ (پ) تأخیر در اجرای تصمیمات تا زمانی که مشاوره‌های مناسب برگزار شود؛ یا (ت) الغا کردن تصمیم برخلاف مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) به‌طور جزئی یا کلی.

**چهارم. ارتباط با سایر مفاد کنوانسیون**

۶۷. ماده ۳ مجموعه‌ای از اصول کلی را مشخص می‌کند که تفسیر و اجرای کنوانسیون را هدایت می‌کند. این شامل «مشارکت کامل و مؤثر در جامعه است»، که به معنی آن است که مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها، در کل متن وجود دارد و در مورد کل کنوانسیون اعمال می‌شود.[[35]](#footnote-35)

۶۸. به‌عنوان بخشی از تعهدات عمومی کشورهای عضو، ماده ۴ (۳) به‌کل کنوانسیون اعمال می‌شود و در اجرای تمام تعهداتش مهم است.

۶۹. پاراگراف ۱، ۲ و ۵ ماده ۴ از اهمیت بسیار زیادی در اجرای پاراگراف ۳ همان ماده برخوردار است؛ زیرا تعهدات بنیادینِ دولت‌های عضو در ارتباط با ایجاد ساختارها و چارچوب‌های ضروری و اتخاذ تدابیر در راستای تطابق با کنوانسیون را در برمی‌گیرند. تعهداتی که بدون هیچ‌گونه محدودیت یا استثنا، به همه بخش‌های دولت‌های فدرال بسط داده می‌شوند.

۷۰. سیاست‌های ترویج برابری و عدم تبعیض برای افراد دارای معلولیت، قید شده در ماده ۵، باید مطابق با مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) اتخاذ و نظارت شوند.[[36]](#footnote-36) رایزنی نزدیک و به‌کارگیری فعالانه سازمان‌های افراد دارای معلولیت که تنوع گسترده در جامعه را نمایندگی می‌کنند عنصر کلیدی در موفقیت در اتخاذ و نظارت چارچوب‌های حقوقی و مواد راهنما برای ارتقای برابری بالفعل و برابری فراگیر، ازجمله برنامه‌های اقدام مثبت است.

۷۱. هیچ روند مشاوره نباید افراد دارای معلولیت را برمبنای معلولیت، نه استثنا کرده و نه مورد تبعیض قرار دهد. رویه‌ها و مواد مربوطه باید برای افراد دارای معلولیت، فراگیر و قابل دسترس باشند و قالب‌های زمانی از مداخله زودهنگام و مساعدت‌های فنی جهت مشارکت زودهنگام در روند مشاوره را در بر گیرند. انطباق منطقی با مقتضیات محیط و سیاست‌ها همواره باید در مشورت نزدیک با و مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت فراهم شود.

۷۲. ماده ۶ کنوانسیون مستلزم اقداماتی برای تضمین توسعه کامل و پیشرفت و توانمندسازی زنان و دختران دارای معلولیت است. کشورهای عضو باید ایجاد سازمان‌های زنان و دختران دارای معلولیت را به‌عنوان مکانیزمی برای مشارکت آن‌ها در زندگی عمومی، برابر با مردان دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های خودشان تشویق و تسهیل کنند. کشورهای عضو باید حق زنانی که دارای معلولیت هستند را برای نمایندگی و سازمان‌دهی خودشان به رسمیت بشناسند و مشارکت مؤثر آن‌ها در مشاوره نزدیک تحت ماده ۴ (۳) و ۳۳ (۳) تسهیل کنند. زنان و دختران دارای معلولیت باید در همه شاخه‌ها و بدنه‌های دستگاه ملی نظارت و اجرا شامل شوند. همه نهادهای مشاوره‌ای، سازوکارها و رویه‌های باید ویژه معلولیت و فراگیر باشند و برابری جنسیتی را در نظر بگیرند.

۷۳. زنان دارای معلولیت باید بخشی از رهبری سازمان‌های افراد دارای معلولیت به نحو برابر با مردان دارای معلولیت باشند و به آن‌ها فضا و قدرت در سازمان‌های چتری افراد دارای معلولیت از طریق نمایندگی مساوی، کمیته‌های زنان، برنامه‌های توانمندسازی و غیره داده شود. دولت‌های عضو باید مشارکت زنان دارای معلولیت، ازجمله زنانی که تحت هرگونه قیومیت هستند را به‌عنوان پیش‌شرطی در طراحی، اجرا و نظارت بر تمام اقداماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، تضمین کنند. زنان دارای معلولیت باید بتوانند در روند تصمیم‌گیری که به مسائلی می‌پردازد که تأثیر منحصربه‌فرد یا نامتناسب بر آن‌ها دارند و همچنین در مورد حقوق زنان و سیاست‌های برابری جنسیتی به‌طورکلی، مثلاً سیاست‌های مربوط به سلامت جنسی و باروری و همه موارد اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان، مشارکت داشته باشند.

۷۴. همان‌گونه که در ماده ۷ کنوانسیون بیان شده است، مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) برای اجرای حقوق کودکان دارای معلولیت اساسی هستند. کشورهای عضو باید اقداماتی را برای تضمین مشارکت و درگیر بودن فعال کودکان دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها در تمام جنبه‌های برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی قوانین، سیاست‌ها، خدمات و برنامه‌های مربوط به زندگی آن‌ها، در مدرسه و در جامعه، سطح محلی، ملی و بین‌المللی، انجام دهند. هدف از مشارکت، توانمندسازی کودکان دارای معلولیت و شناسایی از سوی افراد دارای وظیفه است که کودکان صاحبان حقوق هستند که می‌توانند در جوامع خود نقش فعال داشته باشند. این امر در سطوح مختلف، با شروع به رسمیت شناختن حقوقشان برای شنیده شدن و حرکت به سمت مشارکت فعال آن‌ها در شناسایی حقوق خود صورت می‌گیرد.[[37]](#footnote-37)

۷۵. کشورهای عضو باید از کودکان دارای معلولیت در تصمیم‌گیری خود حمایت کنند. از میان موارد دیگر، آن‌ها را برای استفاده از هر نوع وسایل ارتباطی لازم برای ترویج بیان دیدگاه‌هایشان[[38]](#footnote-38) ازجمله اطلاعات کودک دوستانه، و حمایت کافی برای دفاع از خود تجهیز کرده و آموزش مناسب برای تمام متخصصان که با این کودکان کار می‌کنند، تضمین کنند.[[39]](#footnote-39) کشورهای عضو همچنین باید کمک و حمایت متناسب با سن و معلولیت برای کودکان دارای معلولیت فراهم کنند. مشارکت سازمان‌های آن‌ها در مشاوره‌های مربوط به مسائل خاصی که به آن‌ها مربوط می‌شود، ضروری است و نظرات آن‌ها باید با توجه به سن و بلوغ آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

۷۶. ماده ۴ (۳) از اهمیت ویژه‌ای در راستای افزایش آگاهی برخوردار است (ماده ۸). کمیته توصیه‌های خود را به کشورهای عضو برای اجرای برنامه‌های قاعده‌مند افزایش آگاهی، ازجمله کمپین‌های رسانه‌ای از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت، با هدف تصویرسازیِ افراد دارای معلولیت با همه تنوع‌ها، یادآوری می‌کند.[[40]](#footnote-40) کمپین‌های افزایش آگاهی و برنامه‌های آموزشی برای منصوبینِ بخش دولتی، باید مطابق با اصول کنوانسیون و برمبنای الگوی حقوق بشر معلولیت باشد تا بتواند بر کلیشه‌های ریشه‌دار جنسیتی و معلولیت در جامعه، فائق آید.

۷۷. در راستای مشارکت صحیحِ سازمان‌های افراد دارای معلولیت در روندهای رایزنی و نظارتِ کنوانسیون، دسترسیِ بهینه (ماده ۹) به رویه‌ها، سازوکارها، اطلاعات و ارتباطات، تسهیلات و ساختمان‌ها، ازجمله انطباق منطقی با محیط، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. کشورهای عضو باید معیارهای دسترسیِ پذیرفته شده از سوی جامعه بین‌المللی و روند طراحی جهانی، به‌عنوان‌مثال در حوزه اطلاعات و تکنولوژی[[41]](#footnote-41) ارتباطات برای تضمین مشاوره نزدیک با و مشارکت فعال سازمان‌های افراد دارای معلولیت، توسعه داده و اتخاذ کنند.[[42]](#footnote-42)

۷۸. در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و فوریت‌های بشردوستانه (ماده ۱۱)، آنچه که برای دولت‌های عضو و کارگزاران بشردوستانه اهمیت دارد این است که مشارکت فعال، هماهنگی و مشورت معنادار با سازمان‌های افراد دارای معلولیت ازجمله آن‌هایی که در همه سطوح زنان، مردان و کودکان دارای معلولیت را در هر سن و هر سطح نمایندگی می‌کنند، تضمین شود. این امر نیازمند به‌کارگیری فعالانه سازمان‌های افراد دارای معلولیت در گسترش، اجرا و نظارت بر قوانین و سیاست‌های مرتبط بر شرایط اضطراری و تعیین اولویت‌های توزیعِ کمک، همسو با ماده ۴ (۳) است. کشورهای عضو باید ایجاد سازمان‌هایی برای افراد آواره داخلی و یا پناهندگان با معلولیت که قادر به ارتقای حقوق آن‌ها در هر شرایطی ازجمله درگیری‌های مسلحانه است را ترویج دهند.

۷۹. شناسایی برابر در پیشگاه قانون (ماده ۱۲)، تضمین می‌کند که همه افراد دارای معلولیت از حق اِعمال کامل ظرفیت‌های حقوقی خود و از حقوق برابر برای انتخاب و کنترل تصمیمات تأثیرگذار بر خودشان برخوردار هستند. شناسایی برابر در پیشگاه قانون پیش‌شرط حق رایزنی و به‌کارگیری مؤثر و مستقیم افراد دارای معلولیت در گسترش و اجرای قانون‌گذاری و سیاست‌های اجرای کنوانسیون است. کمیته توصیه می‌کند که عدم انطباق با ماده ۱۲ تحت هیچ شرایطی نباید مانع اجرای کامل مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) باشد. قوانین و سیاست‌ها برای پرداختن به این مانع مشارکت بر اساس انکار ظرفیت قانونی باید اصلاح شود.

۸۰. کمیته اظهارنظر عمومی شماره ۱ (۲۰۱۴) را در مورد شناسایی برابر در پیشگاه قانون یادآوری می‌کند که در آن بیان می‌کند که توانایی قانونی کلید دستیابی به مشارکت کامل و مؤثر در جامعه و در پروسه‌های تصمیم‌گیری است و باید برای همه افراد دارای معلولیت، ازجمله افراد دارای معلولیت فکری، افراد مبتلا به اوتیسم و افرادی که دارای اختلال روانی واقعی و یا پنداری هستند و کودکان دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های خود تضمین شود. کشورهای عضو باید در دسترس بودن برنامه‌های تصویب شده پشتیبانی برای مشارکت در سیاست‌گذاری و مشاوره‌ای که به استقلال، اراده و ترجیحات فرد احترام می‌گذارد، تضمین کنند.

۸۱. حق اشخاص دارای معلولیت برای دسترسی به عدالت (ماده ۱۳) به این معنی است که افراد دارای معلولیت حق دارند به‌طور برابر با دیگران در سیستم قضایی به‌طورکلی شرکت کنند. این مشارکت اشکال متعددی دارد و افراد دارای معلولیت را نیز در نقش‌های مختلف به‌عنوان بخشی از سیستم دموکراتیک که در حکومت‌داری خوب سهیم است[[43]](#footnote-43)، در برمی‌گیرد، به‌عنوان‌مثال، مدعیان، قربانیان، متهمین، قضات، اعضای هیئت‌منصفه و وکلا. مشورت نزدیک با افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نمایندگی آن‌ها در کل فرآیندهای کلیدی برای تصویب و / یا اصلاح قوانین، مقررات، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به مشارکت چنین افراد در نظام قضایی، کلیدی است.

۸۲. برای جلوگیری از همه اشکال استثمار، خشونت و سوءاستفاده (ماده ۱۶)، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که تمام امکانات و برنامه‌های طراحی شده برای خدمت به افراد دارای معلولیت به‌طور مؤثر توسط مقامات مستقل نظارت می‌شود. کمیته مشاهده کرده است که نقض حقوق افراد دارای معلولیت همچنان در تسهیلاتی که به افراد دارای معلولیت «خدمت» می‌کنند مانند مؤسسات روان‌پزشکی و / یا مراکز نگهداری ادامه می‌یابد. طبق ماده ۳۳ (۳) این بدان معنی است که صرف‌نظر از این‌که آیا مقامات مستقل نظارتی که وظیفه‌اش تحت ماده ۱۶ (۳) منطبق است با چارچوب نظارت مستقل تحت ماده ۳۳ (۲)، جامعه مدنی، ازجمله سازمان‌ها افراد دارای معلولیت باید به‌طور فعال در نظارت بر این تسهیلات و خدمات مشارکت داشته باشند.

۸۳. با یادآوری اظهارنظر عمومی شماره ۵ (۲۰۱۷) در مورد زندگی مستقل و در نظر گرفته شدن در جامعه، مشورت و مشارکت فعال افراد دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های نمایندگی آن‌ها، برای تصویب همه برنامه‌ها و استراتژی‌ها و برای پیگیری– زمانی که اجرای زندگی مستقل و در نظر گرفته شدن در جامعه را اجرا می‌کنند (ماده ۱۹) حیاتی است. مشارکت فعال و مشورت در تمام سطوح در فرآیند تصمیم‌گیری باید دربرگیرنده همه افراد دارای معلولیت شود. افراد دارای معلولیت، ازجمله افرادی که در حال حاضر در محیط‌های سازمانی زندگی می‌کنند، باید در برنامه‌ریزی، اجرای و نظارت بر استراتژی‌های عدم نهادینه‌سازی و توسعه خدمات پشتیبانی با توجه ویژه به این افراد درگیر شوند.[[44]](#footnote-44)

۸۴. دسترسی به اطلاعات (ماده ۲۱) برای سازمان‌های افراد دارای معلولیت جهت مشارکت کامل و بیان آزادانه نظرات در روند نظارت ضروری است. چنین سازمان‌هایی باید اطلاعات را به شکل قابل دسترس ازجمله فرمت دیجیتال و فناوری‌های متناسب با تمام اشکال معلولیت به موقع و بدون هزینه اضافی دریافت کنند. این امر، شامل استفاده از زبان اشاره، آسان خوان، بریل، ارتباطات تقویت شده و جایگزین و سایر شیوه‌ها، روش‌ها و اشکال ارتباطات در تعاملات رسمی بنا بر درخواست افراد دارای معلولیت است. قبل از رایزنی‌ها، باید اطلاعات مربوطه، ازجمله اطلاعات خاص بودجه‌ای و آماری و سایر اطلاعات مربوطه که برای بیان یک عقیده آگاه و مطلع ضروری است، در دسترس قرار گیرد.

۸۵. برای تضمین حق آموزش فراگیر (ماده ۲۴) مطابق اظهارنظر عمومی شماره ۴ (۲۰۱۶) کمیته در مورد حق آموزش فراگیر، دولت‌های عضو باید با افراد دارای معلولیت، ازجمله کودکان، از طریق سازمان‌های نمایندگی آن‌ها در تمام جنبه‌های برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاست‌ها و قوانین آموزشی فراگیر مشورت کرده و آن‌ها را در نظر بگیرند.[[45]](#footnote-45) آموزش فراگیر برای مشارکت افراد دارای معلولیت همان‌طور که در مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) توصیف شده است، ضروری است. آموزش مردم را قادر می‌سازد تا شکوفا شده و احتمال مشارکت در جامعه را افزایش می‌دهد که برای تضمین اجرا و نظارت بر کنوانسیون لازم است. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که نهادهای آموزشی دولتی و خصوصی با افرادی که دارای معلولیت هستند مشورت می‌کنند و اطمینان حاصل کنند که در سیستم آموزشی آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند.

۸۶. اتخاذ همه سیاست‌های مربوط به حق افراد دارای معلولیت به کار و استخدام (ماده ۲۷)، باید با مشاوره و مشارکت سازمان‌های نماینده افراد دارای معلولیت اتخاذ شود. سیاست‌ها باید در تلاش برای تضمین دسترسی به استخدام؛ ارتقای کار در محیط‌ها و بازارهای استخدام باز، فراگیر، قابل دسترس و رقابتی؛ تضمین فرصت‌های برابر و برابریِ جنسیتی، و فراهم‌سازیِ انطباق منطقی با مقتضیات محیط و پشتیبانی برای افراد دارای معلولیت ازجمله زنان و افراد بومیِ دارای معلولیت، باشند.

۸۷. شناسایی حق داشتن یک استاندارد مناسب برای زندگی و حمایت اجتماعی (ماده ۲۸) به‌طور مستقیم با ماده ۴ (۳) مرتبط است. مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت در سیاست‌های عمومی برای اطمینان از اینکه موقعیت‌های خاص محرومیت، نابرابری و فقر در میان افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آن‌ها که در فقر زندگی می‌کنند مورد توجه مقامات کشورهای عضو قرار می‌گیرد، حیاتی است. به‌ویژه کشورهای عضو باید با سازمان‌های افراد دارای معلولیت و افراد دارای معلولیت که بیکار هستند و درآمد ثابت ندارند و یا به دلیل فقدان ضمنی حقوق و مزایا نمی‌توانند کار کنند، کسانی که در روستا یا مناطق دور افتاده هستند، و مردم بومی، زنان و افراد مسن در ارتباط باشند. هنگام اتخاذ و بررسی اقدامات، استراتژی‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین در ارتباط با اجرای ماده ۲۸ و در روند نظارت آن، دولت‌ها عضو باید به‌طور نزدیک با سازمان‌های افراد دارای معلولیت که همه افراد دارای معلولیت را نمایندگی می‌کنند مشورت کرده و آن‌ها را در نظر بگیرند تا تضمین کنند که معلولیت وارد جریان اصلی شده و نیازها و دیدگاه‌های آن‌ها مورد توجه قرارگرفته است.

۸۸. حق افراد دارای معلولیت برای شرکت در زندگی سیاسی و عمومی (ماده ۲۹) در حصول اطمینان از برابری فرصت برای افراد دارای معلولیت برای مشارکت کامل و مؤثر در جامعه اهمیت فراوانی دارد. حق رأی و انتخاب شدن، جزء مهمی از حق مشارکت است، زیرا نمایندگان منتخب در مورد برنامه‌های سیاسی تصمیم می‌گیرند و در حصول اطمینان از اجرا و نظارت بر کنوانسیون، حمایت از حقوق و منافع آن‌ها کلیدی هستند.

۸۹. کشورهای عضو باید با مشورت دقیق با سازمان‌های افراد دارای معلولیت، مقرراتی را به تصویب برساند تا افراد دارای معلولیت که نیاز به کمک دارند بتوانند خودشان رأیشان را به صندوق‌ها بریزند. این امر ممکن است برای کمک به افرادی که دارای معلولیت هستند در اماکن رأی‌گیری (در روز انتخابات و رأی‌گیری از قبل) در انتخابات ملی و محلی و رفراندوم‌های ملی، موردنیاز باشد.

۹۰. افرادی که دارای تمام یا برخی از تنوع وسیع اختلالات هستند باید از طریق سازمان‌های افراد دارای معلولیت در روند و اجرای داده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مورد مشورت قرارگرفته و مشارکت داشته باشند (ماده ۳۱).

۹۱. کشورهای عضو باید یک سیستم متحد جمع‌آوری داده‌ها را برای جمع‌آوری داده‌های با کیفیت، کافی، به موقع و قابل‌اعتماد، تفکیک شده بر اساس جنسیت، سن، قومیت، جمعیت روستایی / شهری، نوع آسیب و وضعیت اجتماعی و اقتصادی، با توجه به همه افراد دارای معلولیت و دسترسی آن‌ها به حقوق مندرج در کنوانسیون ایجاد کنند. آن‌ها باید از طریق همکاری نزدیک با سازمان‌های افراد دارای معلولیت و با استفاده از گروه واشنگتن درزمینهٔ آمار معلولیت، سیستمی برای اتخاذ و اجرای سیاست‌ها برای اثر بخشی به کنوانسیون ایجاد کنند. برای به دست آوردن اطلاعات در مورد ادراکات و نگرش‌ها و در برگرفتن آن دسته‌های انتخابی که گروه واشنگتن در نظر نمی‌گیرد، ابزار اضافی جمع‌آوری اطلاعات باید تعقیب شوند.

۹۲. در زمان تصمیم‌گیری و اجرای همکاری‌های بین‌المللی (ماده ۳۲)، همکاری نزدیک، مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده خود، در تصویب توسعه سیاست مطابق با کنوانسیون بسیار مهم است. سازمان‌های افراد دارای معلولیت باید در هر سطح توسعه، اجرا و نظارت بر برنامه‌ها و پروژه‌های همکاری بین‌المللی، ازجمله برنامه ۲۰۳۰ و چارچوب سند یا برای کاهش خطر فاجعه ۲۰۱۵-۲۰۳۰ مورد مشورت قرارگرفته و مشارکت داشته باشند.

۹۳. ماده ۳۴ (۳) در رعایت معیارهای مربوط به عضویت در کمیته مهم است و مستلزم آن است که کشورهای عضو به مقررات مندرج در ماده ۴ (۳) در هنگام نامزد کردن کاندیدها توجه داشته باشند؛ بنابراین، کشورهای عضو باید قبل از نامزد کردن کاندید‌ها در کمیته به‌طور نزدیک با سازمان‌های افراد دارای معلولیت مشورت کرده و آن‌ها را درگیر کنند. چارچوب‌های قانونی ملی و رویه‌ها باید جهت رویه‌های شفاف و مشارکتی اتخاذ شود تا سازمان‌های افراد دارای معلولیت را در بر گیرند و نتایج مشاوره را در نظر بگیرند، و آن‌ها را در نامزد کردن نهایی منعکس کنند.

پنجم. اجرا در سطح ملی

۹۴. کمیته اذعان می‌کند که دولت‌ها در هنگام اجرای حق افراد دارای معلولیت به مورد مشورت قرار گرفتن و مشارکت داده شدن در توسعه، اجرا و نظارت بر قوانین و سیاست‌های اجرای کنوانسیون با چالش‌هایی مواجه هستند. کشورهای عضو باید از میان سایرین اقدامات زیر را برای تضمین اجرای کامل مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳) انجام دهند:

(الف) لغو همه قوانین ازجمله آن‌هایی که هر فرد دارای معلولیت را، فارغ از نوع معلولیت وی، از رایزنی نزدیک و به‌کارگیری فعالانه از طریق سازمان‌هایشان منع می‌کند؛

(ب) خلق محیطی توانمند برای ایجاد و عمل کردن از طریق اتخاذ یک چارچوب سیاستی مناسب برای ایجاد و عملکرد پایدارِ آن‌ها. این امر شامل تضمین استقلال و خودمختاریِ آن‌ها از دولت عضو، ایجاد و اجرای سازوکارهای مکفی تأمین مالی، ازجمله تأمین مالی دولتی و همکاری بین‌المللی، و دسترسی به آن، و تهیه پشتیبانی‌ها ازجمله مساعدت‌های فنی، در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی می‌شود؛

(پ) منع هرگونه ارعاب، آزار و اذیت و یا انتقام علیه افراد و سازمان‌هایی که حقوقشان را تحت کنوانسیون در سطح ملی و بین‌المللی ارتقاء می‌دهند. کشورهای عضو باید مکانیزم‌هایی برای حمایت از افراد دارای معلولیت و سازمان‌های نماینده آن‌ها در برابر تهدید، آزار و انتقام ازجمله زمانی که با کمیته یا سایر سازمان‌های بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشر همکاری می‌کنند، اتخاذ کنند.

(ت) تشویق ایجاد سازمان‌های چتری افراد دارای معلولیت، که فعالیت اعضای آن و سازمان‌های فردی افراد دارای معلولیت با اختلالات مختلف را برای اطمینان از در برگرفته شدن و مشارکت کامل آن‌ها، ازجمله افرادی که کمتر نمایندگی شده‌اند را در روند نظارت هماهنگی نمایندگی می‌کنند. اگر یک کشور عضو در مشارکت با هر سازمان فردی افراد دارای معلولیت در روند تصمیم‌گیری با مشکل مواجه شود، می‌توانند نمایندگان چنین سازمان‌هایی را در نیروهای دائمی یا موقت و غیره زمانی که انجام آن از طریق سازمان چتری یا ائتلاف سازمان‌های افراد دارای معلولیت امکان ندارد، شامل کنند؛

(ث) اتخاذ قوانین و سیاست‌هایی که حق مشارکت و در برگرفته شدن سازمان‌های افراد دارای معلولیت و مقرراتی که روش‌های مشخصی را برای مشاوره در تمام سطوح قدرت و تصمیم‌گیری تعیین می‌کنند. این چارچوب قانونی و سیاست باید برای شناسایی اجباری جلسات عمومی قبل از تصویب تصمیمات فراهم کرده و شامل مقرراتی باشد که نیاز به زمان‌بندی مشخص، دسترسی به مشاوره و تعهد به ارائه انطباق منطقی با مقتضیات محیط و حمایت مناسب دارند. این را می‌توان از طریق مراجعه روشن در قوانین و سایر اشکال مقررات به مشارکت و انتخاب نمایندگان سازمان‌های افراد دارای معلولیت انجام داد؛

(ج) ایجاد مکانیزم‌های مشاوره دائمی با سازمان‌های افراد دارای معلولیت، ازجمله میزگرد، گفتگوی مشارکتی، جلسات عمومی، نظرسنجی‌ها و مشاوره‌های آنلاین، با احترام به تنوع و استقلال آن‌ها، همان‌طور که در پاراگراف ۱۱، ۱۲ و ۵۰ اشاره شده است. این همچنین می‌تواند شکل یک هیئت مشاوره ملی، مانند نماینده شورای معلولیت ملی نماینده سازمان‌های افراد دارای معلولیت را داشته باشد؛

(چ) مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های افراد دارای معلولیت، منعکس‌کننده تنوع وسیعی از زمینه‌ها، ازجمله وضعیت تولد و سلامت، سن، نژاد، جنس، زبان، ملیت، نژاد، بومی و یا جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی، وابستگی مذهبی و سیاسی، وضعیت مهاجرت، گروه‌های دارای معلولیت یا سایر وضعیت‌ها را تضمین و حمایت کنند؛

(ح) مشارکت با سازمان‌های افراد دارای معلولیت که زنان و دختران دارای معلولیت را نمایندگی می‌کنند و تضمین مشارکت مستقیم آن‌ها در همه فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی در یک محیط امن، خصوصاً در رابطه با توسعه سیاست‌های مربوط به حقوق زنان و برابری جنسیتی و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان، ازجمله خشونت جنسی و سوءاستفاده؛

(خ) مشاوره و در برگرفتن فعالانه افراد دارای معلولیت ازجمله کودکان و زنان دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها در برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و سنجش فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی در تمام سطوح، به‌ویژه در مواردی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند، ازجمله در شرایط اضطراری بشردوستانه، دادن زمان منطقی و واقعی به آن‌ها برای ارائه دیدگاه‌های خود و فراهم کردن بودجه و پشتیبانی مناسب؛

(د) تشویق و حمایت از ایجاد، ظرفیت‌سازی، تأمین مالی و مشارکت مؤثر سازمان‌های افراد دارای معلولیت یا گروه‌های افراد دارای معلولیت، ازجمله والدین و خانواده‌های افراد دارای معلولیت در نقش حمایتی آن‌ها در تمامی سطوح تصمیم‌گیری. این امر شامل درک، طراحی، اصلاح و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای (ازجمله در بین سازمان ادغام منطقه‌ای) و یا در سطح بین‌المللی می‌شود؛

(ذ) تضمین نظارت بر انطباق کشورهای عضو با مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳)، و تسهیل رهبری سازمان‌های افراد دارای معلولیت در چنین نظارتی؛

(ر) توسعه و اجرای مکانیسم‌های اجرایی مؤثر، با مجازات‌های معنی‌دار و روش‌های جبران خسارت، برای عدم تطابق با تعهدات کشورهای عضو تحت مواد ۴ (۳) و ۳۳ (۳)، با مشارکت سازمان‌های افراد دارای معلولیت؛

(ز) تضمین مقررات انطباق منطقی با مقتضیات زمان و دسترسی به تمام امکانات، مواد، جلسات، دعوت‌ها، رویه‌ها و اطلاعات و ارتباطات مربوط به تصمیم‌گیری، مشاوره و نظارت برای همه افراد دارای معلولیت، ازجمله افراد منزوی شده در مؤسسات یا بیمارستان‌های روان‌پزشکی و افراد مبتلا به اوتیسم؛

(ژ) فراهم کردن کمک متناسب با سن و معلولیت برای مشارکت افراد دارای معلولیت، از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها در پروسه‌های تصمیم‌گیری، مشاوره و نظارت عمومی. ایجاد استراتژی‌هایی برای اطمینان از مشارکت کودکان دارای معلولیت در فرآیند مشورت برای اجرای کنوانسیون که جامع، کودک دوستانه و شفاف است و به حقوق آن‌ها برای آزادی بیان و تفکر احترام می‌گذارد؛

(س) انجام مشاوره‌ها و اقدامات به شیوه‌ای باز و شفاف و فرمت قابل فهم، دربرگیرنده همه سازمان‌های افراد دارای معلولیت؛

(ش) اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های افراد دارای معلولیت می‌توانند بودجه و سایر منابع ازجمله دسترسی به معافیت مالیاتی، و / بخت‌آزمایی ملی، را از منابع ملی و بین‌المللی، ازجمله افراد خصوصی و شرکت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی، کشورهای عضو و سازمان‌های بین‌المللی دریافت کرده یا دنبال آن باشند،

(ص) روش‌های مشاوره‌ای موجود در زمینه‌های خاص دیگر غیر از معلولیت در قانون را برای افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها قابل دسترس کنند؛

(ض) به‌کارگیری فعالانه و رایزنی نزدیک با افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها، در روندهای بودجه‌بندی عمومی، نظارت بر اهداف توسعه پایدار در سطح ملی، تصمیم‌گیری بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی با سایر کشورهای عضو و اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای که حقوق و عقاید افراد دارای معلولیت را در حین اجرا و نظارت بر دستور کار ۲۰۳۰ در سطح ملی وارد جریان اصلی می‌کند؛

(ط) تضمین مشارکت، نمایندگی و دسترسی آسانِ افراد دارای معلولیت به مراجع ملی در همه سطوح، سازوکار هماهنگی و همچنین همکاری و نمایندگی آن‌ها در درون سازوکارهای مستقل نظارتی؛

(ع) ترویج و تضمین مشارکت افراد دارای معلولیت از طریق سازمان‌های نماینده آن‌ها در مکانیزم‌های بین‌المللی حقوق بشر در سطح منطقه‌ای و جهانی؛

(غ) در مشاوره نزدیک با سازمان‌های افراد دارای معلولیت، شاخص‌های قابل‌کنترل برای مشارکت خوب، زمان‌بندی مشخص و مسئولیت‌های اجرای و نظارت را تعریف کنند. برای مثال، چنین مشارکتی می‌تواند به‌وسیله توضیح دامنه مشارکت آن‌ها در ارتباط با پیشنهادات اصلاح قوانین یا گزارش دادن در مورد تعداد نمایندگان چنین سازمان‌هایی که در فرایند تصمیم‌گیری حضور دارند، سنجیده شود.[[46]](#footnote-46)

1. . دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، اصول و دستورالعمل‌ها برای رویکرد حقوق بشر به راهبردهای کاهش فقر، پاراگراف ۶۴. [↑](#footnote-ref-1)
2. . پاراگراف ۱۳،.A/HRC/31/62 [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان.، پاراگراف ۱۴. [↑](#footnote-ref-3)
4. همان.، پاراگراف ۱۶-۱۷. [↑](#footnote-ref-4)
5. . ضمیمه دوم، پاراگراف ۳، CRPD/C/11/2 [↑](#footnote-ref-5)
6. . پاراگراف ۵ اظهارنظر عمومی شماره ۳ (۲۰۱۶) در مورد زنان و دختران دارای معلولیت. [↑](#footnote-ref-6)
7. . پاراگراف ۳۸، A/HRC/31/62، و A/71/314، پاراگراف ۶۴. [↑](#footnote-ref-7)
8. . پاراگراف ۱۵-۱۷، A/HRC/19/36. [↑](#footnote-ref-8)
9. . پاراگراف ۶۳، A/HRC/31/6 و A/HRC/34/58، پاراگراف ۶۳. [↑](#footnote-ref-9)
10. . A/HRC/31/62، پاراگراف ۶۴. [↑](#footnote-ref-10)
11. . ماده ۷ (۳) کنوانسیون. اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ (۲۰۰۹) کمیته حقوق کودک در مورد حق کودک بر شنیده شدن، پاراگراف ۱۳۴. [↑](#footnote-ref-11)
12. . اظهارنظر عمومی شماره ۱۲، پاراگراف ۱۳۳. [↑](#footnote-ref-12)
13. . قطعنامه ۱۴۴/۵۳ مجمع عمومی، ضمیمه. [↑](#footnote-ref-13)
14. . پاراگراف ۱-۳، A/HRC/31/6. 2 [↑](#footnote-ref-14)
15. . پاراگراف ۷ و ۳۷، CRPD/C/GBR/CO./، پاراگراف ۵۸ CRPD/C/BIH/CO/1؛ CRPD/C/ARE/CO/1، پاراگراف ۶۱؛ و CRPD/C/SRB/CO/1، پاراگراف ۶۷. [↑](#footnote-ref-15)
16. . پاراگراف ۴۵، A/HRC/31/62 و A/HRC/20/27 پاراگراف ۵۶. [↑](#footnote-ref-16)
17. . پاراگراف ۴۰، A/HRC/31/62 [↑](#footnote-ref-17)
18. . اظهارنظر عمومی شماره ۶ (۲۰۱۸) در برابری و عدم تبعیض، پاراگراف ۲۳ و ۴۰. [↑](#footnote-ref-18)
19. . پاراگراف ۷۵-۷۷، A/HRC/31/62 [↑](#footnote-ref-19)
20. . همان، پاراگراف ۷۸-۸۰. [↑](#footnote-ref-20)
21. . اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق کودک، پاراگراف ۱۳۲. [↑](#footnote-ref-21)
22. . پاراگراف ۱۱ (الف)، CRPD/C/COL/CO/1 [↑](#footnote-ref-22)
23. . اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق کودک، پاراگراف ۴۵. [↑](#footnote-ref-23)
24. . پاراگراف ۶ (الف)، CRPD/C/ARM/CO/1 [↑](#footnote-ref-24)
25. . پاراگراف ۶۵-۶۶، A/71/314 [↑](#footnote-ref-25)
26. . پاراگراف ۶، CRPD/C/ESP/CO/1 و CRPD/C/NZL/CO/1، پاراگراف ۴. [↑](#footnote-ref-26)
27. . پاراگراف ۴۷-۵۰، A/HRC/31/62 [↑](#footnote-ref-27)
28. . پاراگراف ۶۷-۶۸، A/HRC/20/27 [↑](#footnote-ref-28)
29. . ضمیمه، CRPD/C/1/Rev.1 [↑](#footnote-ref-29)
30. . پاراگراف ۶۵-۶۶، A/71/314 [↑](#footnote-ref-30)
31. . پاراگراف ۸۲ (۱) و (ت)، A/59/401 و A/HRC/31/62 پاراگراف ۵۱-۵۴. [↑](#footnote-ref-31)
32. . پاراگراف ۶۸-۶۹،.A/71/314 [↑](#footnote-ref-32)
33. . اظهارنظر عمومی شماره ۶، پاراگراف ۷۲. [↑](#footnote-ref-33)
34. . همان.، پاراگراف ۷۳ (ح). [↑](#footnote-ref-34)
35. . دفتر کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظارت بر کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت: راهنمایی برای نظارت بر حقوق بشر، سری آموزش حرفه‌ای شماره ۱۷ (نیویورک و ژنو ۲۰۱۰). [↑](#footnote-ref-35)
36. . اظهارنظر عمومی شماره ۶. [↑](#footnote-ref-36)
37. . صندوق کودکان سازمان ملل متحد، «چارچوب مفهومی برای نظارت بر نتایج مشارکت نوجوانان»، (مارچ ۲۰۱۸)، www.unicef.org/adolescence/files/Conceptual\_Framework\_for\_Measuring\_Outcomes\_of\_Adolescent\_Participation\_March\_2018.pdf. [↑](#footnote-ref-37)
38. . اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق کودک، پاراگراف ۲۱. [↑](#footnote-ref-38)
39. . همان، پاراگراف ۳۴. [↑](#footnote-ref-39)
40. . پاراگراف ۱۹، CRPD/C/MDA/CO/1، پاراگراف ۲۱CRPD/C/AZE/CO/1؛ و CRPD/C/TUN/CO/1، پاراگراف ۲۱. [↑](#footnote-ref-40)
41. . اظهارنظر عمومی شماره ۲ (۲۰۱۴) در مورد دسترسی، پاراگراف ۵-۷ و ۳۰. [↑](#footnote-ref-41)
42. . همان، پاراگراف ۱۶، ۲۵ و ۴۸. [↑](#footnote-ref-42)
43. . پاراگراف ۸.۹ (*Beasley v. Australia* CRPD/C/15/D/11/2013) و *Lockrey v. Australia* (CRPD/C/15/D/13/2013)، پاراگراف ۸.۹. [↑](#footnote-ref-43)
44. . پاراگراف ۷۱ اظهارنظر عمومی شماره ۵ (۲۰۱۷) در مورد زندگی مستقل و در نظر گرفته شدن در جامعه. [↑](#footnote-ref-44)
45. . اظهارنظر عمومی شماره ۴، پاراگراف ۷. [↑](#footnote-ref-45)
46. لطفاً برای متن اصلی [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRPD/C/GC/7&Lang=en) را نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-46)